

گسترش و توسعه سلسله های چشتیه در جنوب هند (دکن)

زین العباء *

چکیده:

اسلام در سر زمین شبه قاره در زمان محمد بن قاسم ثقفی وارد شد. اما غزنویان در نتیجه فتوحات دروازه شبه قاره را بر روی جهان اسلام گشودند و راه ورود اسلام را هموار کردند و همچنین دولت های بعدی غوریان، سلاطین و تیموریان هند برای گسترش و توسعه اسلام کوشش و سعی نمودند. در نتیجه آن عارفان و صوفیان جهان مختلف به این سرزمین مهاجرت کردند و اینجا تبلیغ دین اسلام کردند و دین اسلام در سراسر شبه قاره گسترش یافت آغاز و گسترش تصوف در جنوب هند (دکن) به درستی معلوم نیست. اما با مطالعه و بررسی کتابهای تاریخ روشن می شود که تعداد زیادی از صوفیا در نواحی مختلف دکن فعالیت داشتند. مثلاً: میران سید حسینی، سید شاه مومن، سید علاءالدین، شیخ شهیل، سید علی شهید و غیره.

واژه های کلیدی: اسلام، گسترش و انتشار، جنوب هند، دکن، عرفا و صفیدا.

* استاد یار، دانشگاه پنجابی، پتیاله، پنجاب، هند.

زبان و ادب فارسی، به دلیل غنای فرهنگی، ادبی، هنری و علمی خود پس از نفوذ در شبه قاره هند از زمان محمود غزنوی بسیار مورد توجه و ستایش فرهیختگان، عارفان، شاعران، نویسندگان، مورخان و دانشمندان قرار گرفت. این زبان زیبا و عرفان به جا گذاشتن آثار و شاهکارهای ادبی و علمی، عشق و علاقه خود را نسبت به آن ابراز نمود.

در این سرزمین پهناور تفکر و عرفان اسلامی به همان اندازه قدیمی است که وجود مسلمانان در این سرزمین اگرچه در اثر حمله محمد بن قاسم ثقفی در اواخر قرن اول هجری قمری (۹۲ق) دین اسلام وارد شبه قاره شد، اما حقیقتاً ورود اسلام به هند از اواخر قرن چهارم هجری با ورود غزنویان آغاز گردید، غزنویان در نتیجه فتوحات پیاپی خود دروازه هند را بر روی جهان اسلام گشودند و راه ورود اسلام را به این سرزمین هموار کردند، در دوره های بعدی غوریان سلطنت دهلی و بابران سراسر را تصرف کرده، پایه های حاکمیت چند ساله مسلمانان را بنا نهادند. وقتی که پادشاهان و دلاوران مسلمان جهت تسخیر شهرها و توسعه مملکت بنیادهای درمیان مردم توجه خود را مبزول داشتند. در اثر تشکیل حکومت اسلامی در این دیار عارفان و مبلغان مسلمان فرصتی یافتند که بدون دغدغه به نواحی مختلف کشور بروند و به تبلیغ دین مبین اسلام بپردازند. در نتیجه کوشش های این صوفیه و عارفان متعهد، دین اسلام به صورت یک نهضت قدرتمند و پویا در سراسر هند گسترش یافت و هندوستان، دارالسلام نامیده شد.

بی تردید دین اسلام بزرگترین موفقیت های تبلیغاتی خود را در زمان ها و مکانهای به دست آورده است که مسلمانان از نظر سیاسی، در ضعیف ترین موفقیت خود بوده اند، مانند جنوب هندوستان. به وقیده شهید استاد مطهری "اگر در جوهر یک دعوت دینی قدرت اقناع وجدانها وجود نداشته باشد، محال است که زور و جبر بتواند در مردم ایمان و علاقه و شعور و احساسات

به وجود آورد. تنها عامل نشر و گسترش اسلام، نفورز تعلیمات اسلامی و فعالیت‌های تبلیغاتی صوفیه کبار و عارفان بوده است. از شرح حال‌ها و تذکره‌های موجود درباره اولیاء و صوفیه می‌توان پی برد که این فعالیت‌ها کاملاً جدا و مستقل از حیات سیاسی کشور صورت گرفت. آنها در اطراف و اکناف کشور خانقاه‌ها و زوایه‌های دایر کرده، به آرامی دست به تبلیغ اسلام زدند و با حسن اخلاق و کردار توانستند قلوب مردم را به دست بیاورند. در اثر وعظ و ارشادات آنها عده‌ای زیادی از مردم به اسلام گرویدند و تصوف و عرفان اسلامی جایگاهی بسیار بلند را در این سرزمین کسب نمودند.

بر مبنای متعدد در زبانهای عربی و فارسی با اطمینان می‌توان به این نتیجه رسید که نخستین برخورد‌ها و تماس‌های اعراب با هند در مالا بار، کیرالا، سرندیپ (سری لنکای کنونی)، کهمبات، ممی و منگلور در سواحل غربی و کارومندال، در شرق صورت گرفت. اما درباره حضور مسلمین در دکن بویژه طی دوره پیش از انتقال پایتخت دهلی به دیوگری در سال ۷۲۷ هـ/ ۱۳۲۷ م توسط محمد تغلق، شواهدی چندانی در دست نیست. زیارتگاه صوفیه خاصه در دولت آباد، گلبرگه، بیجا پور، گلکنده، بنوکنده و تریچنپلی به دوره‌ای قبل از ۷۲۷ / ۱۳۲۷ تعلق دارد. نشانگر وجود تعداد قابل توجه سکونت‌گاه اسلامی در این منطقه است. منابع موجود به تشخیص آغاز ورود مسلمانان طی این دوره در این منطقه کمک نمی‌کند، به هر صورت، تجار مسلمانی که در جنوب سکونت کردند، و به صورت مبلغان دین خود نیز خود فعالیت می‌کردند، به قلب شبه قاره هند یعنی در دکن رهسپار شدند.

تاریخ اولیه انتشار و گسترش تصوف در جنوب هند نا معلوم است. در پرتو منابع متعدد آن روزگار و پس از آن، به زبانهای گوناگون می‌توان فرض کرد که صوفیه در جنوب هندوستان

پیش از ورود مسلمین از شمال فعال بودند- این بطوطه می نویسد که : در دیدارش از سیلان به مقابر تعدادی از اولیاء نظیر شیخ عبدالله حنیف ، شیخ عثمان ، بابا طاهرو غیره ، نیز یک سکونت گاه اسلامی همراه با مسجدی در ترانکور و مالابار برخورد کرد- مطالعه و بررسی منابع گوناگون تاریخ عصر میانه دکن این حقیقت را روشن می کند که تعداد زیادی از اکبر صوفیه در نواحیه مختلف دکن فعالیت داشتند همانند، میران سید حسینی ۴۸۳ / ۱۱۸۸ م ، سید شاه مومن ۵۹۷ / ۱۲۰۰ م ، سید علاءالدین ۶۵۱ / ۱۲۵۳ م ، شیخ شهید ۶۷۱ / ۱۲۷۲ م ، سید حسام الدین تیغ برهنه ۵۸۰ / ۱۲۸۱ م ، پیر مقصود ۷۰۰ / ۱۳۰۰ م ، پیر جمونه ۷۰۳ / ۱۳۰۳ م ، سید علی شهید ۷۰۵ / ۱۳۰۵ م ، تاج الدین منور ۷۳۲ / ۱۳۳۱ م -

شیخ شهاب الدین سهروردی ۱۲۳۴ م ، تعدادی از شاگردان و پیروانش که در هند دکن کرده است ، می گوید که بابا شرف الدین و بابا شهاب الدین که در چند کلمتری جنوب حیدرآباد بر روی تپه کوچکی مدفونند، از شاگردان وی بودند که پیش از انتقال پایتخت از دهلی به دکن مهاجرت کردند- هیچ اطلاع موقتی در باره سلسله ها ، اعتقادات شیوه های عمل و تشکیلات آنان ، در صورت وجود، در دست نیست- اما شواهدی است که نشان می دهد ، آنان از شمال یا از ایران و عراق مهاجرت کرده بودند، و نقش آنها در تاریخ اولیه دکن نمی توان نا دیده گرفت-

خواجه احمد ثمامی بر این اعتقاد است که سلسله چشتیه توسط شیخ برهان الدین غریب ۷۳۹ / ۱۳۳۸ مرید و خلیفه شیخ نظام الدین اولیاء که در دولت آباد سکونت گزید ، وارد دکن شد - اما شواهدی مبنی بر تأیید این عقیده در دست است که حتی پیش از ورود برهان الدین غریب به دولت آباد ، شیوخ چشتی در دکن فعالیت می کردند-

امیر خورد می‌گوید که خلیفه شیخ نظام الدین اولیاء دو تن از مریدان جوان خود، خواجه عزیزالدین و شیخ زاده کمال الدین، نوه شیخ فریدالدین را به ترتیب برای دیوگری و مالوه، پیش از فتح دکن از سوی محمد بن تغلق به نیابت خود تعیین کرد. هر دوی آنان درکار تبلیغ اعتقادات عرفانی چشتی موفق بودند. بجز شیخ مذکور، منتخب الدین زر زری زربخش ۷۰۹-۶۷۵ هـ/ ۱۳۰۹-۱۲۷۶ برادر کوچکتر شیخ برهان الدین غریب نیز پیش از ورود برادر بزرگترش در خلد آباد ساکن بود. محمد قاسم می‌نویسد که: شیخ منتخب الدین با گروه کثیری متشکل از هفتصد نفر که شامل مردی از خانواده‌های ثروت مند نیز بودند، وارد خلد آباد شد. هر چند تاریخ دقیق ورود او معلوم نیست - می‌توان با قطعیت گفت که وی قبل از شیخ برهان الدین غریب به خلد آباد رسید، رونق علی به فتوح الاولیاء استناد می‌کند و به نقل رویدادی می‌پردازد که نشان می‌دهد او پیش از برادرش وارد دکن شد.

تاریخ درست ورود شیخ برهان الدین غریب به دکن از منبع موجود روشن نمی‌شود، هنوز جای بحث است که آیا او بلا فاصله پس از مرگ برادرش منتخب الدین که در سال ۷۰۹ هـ/ ۱۳۰۹ م رخداد، طبق دستور پیر خود از دهلی به دکن رفت و یا این که این سفر بعد از وفات پیشوایش که در سال ۷۲۵ هـ/ ۱۳۲۵ م واقع شد، انجام گرفت. در همین حال رویداد مهم دیگری در تاریخ عصر میانه هند تحقق یافت و آن انتقال پایتخت از دهلی به دیوگری در سال ۷۲۷ هـ/ ۱۳۲۷ م بود. امیر خورد می‌گوید که شیخ نظام الدین اولیاء یک بار دربربان الدین غریب که در آن زمان هفتاد سال از عمرش می‌گذشت، به علت عدم رعایت انضباط دقیق در خانقاه واکنش سختی نشان داد. این واقعه باید در سال ۷۲۴ هـ/ ۱۳۲۴ م رخ داده باشد.

بر مبنای مورد فوق الذکر مشکل است که شخصیت صوفی واحدی را در نظر گرفت و او را به عنوان عامل ورود سلسله چشتیه به دکن تعیین کرد. در عین حال، شیخ برهان الدین غریب، یاران و سایر شیوخ معاصر در دولت آباد قطعاً باید نقش بسیار برجسته‌ای در استقرار سلسله چشتیه بطور اساسی در سایر نواحی دکن چنین نقش نداشته باشد. این شیوخ بیشک نفوذ فراوانی بر توده‌های مردم و حیات اجتماعی و فرهنگی دکن در دوره پیش از سلطنت بهمنی داشته‌اند.

بعد از فوت شدن برهان الدین غریب، سید یوسف (سید راجه) پیر مبارک کاروان و امیر حسن سجزی که بمکی در فاصله چهار سال یعنی بین سالهای ۷۳۴/ ۱۳۳۳، ۷۳۸، ۱۳۳۷/ رخ داد.

نخستین مرحله فعالیت چشتی با که می‌توان آنرا مرحله پیش از سلطنت بهمنی نامید، پایان یافت. دومین فعالیت چشتی بابا کوشش بای سید زین الدین شیرازی ۷۷۱/ ۱۳۶۹ م مرید و خلیفه شیخ برهان الدین غریب در دولت آباد آغاز شد، سید زین الدین دولت آبادی نخستین قطب چشتی در دوره بهمنی است، او معاصر دو پادشاه نخست علاءالدین حسن بهمنی شاه بنیانگذار سلسله بهمنی و جانشین وی، محمد شاه اول بود. سید زین الدین نفوذ عظیمی بر جامعه اولیه بهمنی از یک سو و بر شخص محمد شاه اول بهمنی و حکام پادشاهی فاروقی از سوی دیگر داشت. سید یعقوب ۸۰۰/ ۱۳۹۷ م خلیفه سید زین الدین در هرواله گجرات یک خانقاه چشتیه بناء نهاد. از میان مریدان او سید زین یوسف و خواجه شمس الدین، که به شمع میران شهرت داشت خانقاهی در مرتاض آباد در بکش میراج تأسیس کرد.

با ورود سید محمد حسینی گیسو دراز ۸۲۵-۸۲۱/ ۱۳۵۶-۱۳۳۵ م مرید و خلیفه شیخ نصیرالدین چراغ دلی در سال ۸۰۳/ ۱۴۰۰ م، سلسله چشتیه در دکن نیروی تازه‌ای گرفت. او

با اقدام خویش نه تنها سلسله چشتیه را قوام و دوام بیشتری بخشید، بلکه در ساماندهی درست و صحیح این فرقه در دکن و گجرات نیز موفق شد.

محمد حسینی بعد از گذراندن بیست و یک سال ۷۵۷-۷۳۵ / ۱۳۵۶-۱۳۳۵ م در خدمت پیرو خود گذراند، سجادگی به مدت چهل و چهار سال ۸۰۱-۷۵۷ / ۱۳۹۸-۱۳۵۶ م دهلی را به قصد دولت آباد خیر باد گفته و سر انجام به سال ۸۰۱ / ۱۴۰۰ م در گلبرگه پایتخت بهمنی اقامت گزید. اقبال همگانی نسبت به او از این مسئله می‌توان درک کرد که از آغاز سفرش از دلی تا گلبرگه جمعیت عظیمی در اطرافش جمع شدند و به او بیعت کردند. در مدت زمانی کوتاه، شخصیت معنوی و مقامات علمی او در سراسر دکن شناخته شد - گیسو دراز مدرسه‌ای با سطح بالایی آموزش تاسیس کرد که در آن برای نخبگان آن شهر که از سایر نواحی پادشاهی بهمنی و از همه جای هند می‌آمدند، تعلیمی در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی آرایه می‌شد. سید محمد حسینی خود به فرزندانش درس تفسیر، حدیث و سلوک می‌داد، و گاهی به تدریس کلام و فقه نیز می‌پرداخت.

سید اصغر و سید احمد تفسیری که محمد حسینی گیسو دراز در مقامات مختلف صوفیه نوشته بود، درس می‌دادند. مولانا علاءالدین در تمهیدات عین القضاة و فصوص الحکم درس می‌داد و با این دروس همواره مشغول درس عرفانی نظم و نثر هم بود که با پذیرش افراد سلسله چشتیه شد.

فرزندان گیسو دراز سید اکبر حسینی و سید اصغر الله حسینی ۸۱۲ / ۱۴۰۹، ۸۵۲ / ۱۴۴۸ م، که در گلبرگه ساکن بودند علاوه بر اعضای خانواده گیسو دراز، شاه راجه و خواجه

احمد دبیر که ظاهراً از دیار فیروز شاه بهمنی کناره گیری کرده بودند در ابلاغ نظریات عرفانی چشتی به مردم پایتخت بهمنی که در اجتماعات عظیم خانقاه گرد می آمدند، سهم بودند.

چهره های برجسته از خلفای گیسو دراز مولانا علاءالدین در نواحی دکن و اطراف فعالیت می کردند، نخستین کسی بود که در سال ۸۰۱ / ۱۳۳۹ م از طرف قطب شاه خود به خلافت رسید صدرالدین خوند میری که در سال ۸۱۰ / ۱۴۰۷ م به خلافت منسوب شد در ایرج پور فعال بود و سید کمال الدین غزنوی و قاضی اسحاق هر دو از دودمان گیسو دراز بودند در بهروچ گجرات و چهارترا به فعالیت خود ادامه دادند.

علاءالدین انصاری غلندی ۷۷۱ / ۱۳۷۵ م که مشخصاً از مریدان شیخ نصیرالدین چراغ و شاگرد سید محمد حسینی بود، خانقاهی چشتیه را در غلند تأسیس کرد. سید محمد حسینی گیسو دراز در گلبرگه که بیست و دو سال عمر خود را سپری کرد ۸۲۵-۸۰۳ / ۱۴۲۷-۱۴۰۰ م ، او در این مدت مدید نه تنها تأثیر ماندگاری بر جامعه بهمنی ، پادشاه بهمنی فیروز شاه و برادرش احمد شاه بر جای گذاشت بلکه مبل کردن گلبرگه را به مرکز فعالیت بای چشتیه نیز موفق شده بود. سعد محمد حسینی از سلسله های چشتیه بود که زندگی خانقاهی را تا حدودی بر مبنای الگویی اسلاف خود سازمان دبد. اما پیش از آن که سلسله چشتیه بتواند کاملاً در سر زمین دکن استقرار یابد. پس از درگذشت سید محمد حسینی گیسو دراز این سلسله به تدریج حیات خود را از دست داد، و از آن پس تا قرن هیجدهم که شیخ نظام الدین اورنگ آبادی اهمیتی به آن بخشید، دیگر نتوانست موقعیت گذشته را به دست آورد.

سید شاه ابولفیض من الله حسینی پس از درگذشت گیسو دراز پسرش شاه کلیم الله حسینی ۸۹۲ / ۱۴۸۷ م و نوه اش سید شاه ابوالحسن ۹۰۳ / ۱۴۹۸ م به بیدر هجرت کردند، در بیجا

پور طی قرن شانزدهم میرانجی شمس العشاق ۹۰۲/ ۱۴۹۶م و اخلافش سلسله چشتیه را در دکن در زمان عادل شاهی زنده نگه داشتند.

صوفیه کرام چشتیه برای گسترش و توسعه سلسله‌های خود را با برپای روابط اجتماعی مودت آمیز و مسالمت آمیز و همبستگی کوشش می‌کردند که یکی از اهداف تصوف در دکن، تلاش برای رفع همه تبعیضات و نا برابری با در جامعه در زمان خود بود، با در نظر گرفتن این موضوع، صوفیای دکن مانند اسلاف خویش در شمال هند، مردم را از همه طبقات اعم از فقیر و غنی بی هیچ تبلیغی در آیین یا اعتقاد پذیرفتند، خائقا‌های آنها به مراکز جلب افرادی از مذهب مختلف با زبانهای گوناگون تبدیل شد.

لازم به ذکر است که هندو با نیز اجازه داشتند که به هیچ منع با واهمه ای به خائقا‌های چشتیه وارد شوند. منابعی وجود دارد که نشان می‌دهد یوگیهای معروف با پیران چشتیه بحث و مناظراتی داشتند، این بر خورد نمونه ای بارز از نفوذ یک چشتی است که نشان و علاقه به اصلاح اجتماعی در همه جانبه است، به درستی می‌توان گفت که جهان صوفی در دوران پادشاهی بهمنی در محدوده مقدس معابد و خائقا‌ها خلاصه نمی‌شد. این جهان خود را در گسترش و توسعه سلسله چشتیه را اقدامی غیر قابل محال انجام دادند.

کتاب شناسی و منابع:

○ آفتاب اصغر، (۱۳۶۴ش) تاریخ نویسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور، پاکستان.

○ ابوالفضل، (۱۳۴۷) آیین اکبری، ترجمه محمد فدا علی، حیدر آباد هند.

- عبدالله، سید، (۱۳۷۲ش)، ادبیات فارسی در میان هندوان، ترجمه دکتر محمد اسلم خان، بنیاد موقوفات محمودافشار تهران.
- براون، ادوارد (بی تا) از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران ایران.
- امیر خرد، (۱۳۰۲ق)، سیرالاولیاء، دہلی، -
- بلگرامی، غلام علی آزاد، (۱۳۱۰ق) روضۃ الاولیاء اورنگ آباد.
- غیاث الدین خواند میر، (۱۸۵۷ م) تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، بمبئی.
- ذکی محمد مصری، (۱۳۲۰ش) تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمد علی خلیل، تهران، ایران.
- حکمت، علی اصغر، (۱۳۲۷ش) سر زمین هند، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ایران.
- رونق علی، (۱۳۲۶ش) روضۃ الاقطاب، اورنگ آباد.
- عبد الحق، (۱۹۱۹م) اردو کی نشو و نما میں صوفیہ کرام کا کام، (نقش صوفیہ کرام در تحول زبان اردو)، دہلی.